۲۳۰- ايّتها النّفوس المبارکه

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۳۰- ايّتها النّفوس المبارکه

ايّتها النّفوس المبارکه، نامهٔ شما بدقّت تمام ملاحظه گرديد از مساعی حميده و همم جليلهٔ دوستان نهايت سرور حصول يافت توجّه بآستان مقدّس شد و طلب تأييد و توفيق گشت. زيرا امور مرهون بعنايت است و تأييد حضرت احديّت لهذا اميد چنان است که تأييدات غيبيّه و توفيقات لاريبيّه بحصول پيوندد. عبدالبهآء جميع غوائل هاجمه و مشاغل لازمه را ترک نمود و جميع امور را واگذاشت و سفر نمود با وجود اينکه محرومی از آستان مقدّس بسيار مشکل و صعب بود و سبب حزن و اندوه و سه مرض مزمن جسمانی مستولی و ابداً طاقت و تحمّل حرکت نداشت باز توکّل بر جمال بيمثال نموده باطراف جهان شتافت. زيرا مشاهده کرد که تأييد در تبليغ است و توفيق در نشر نفحات اللّه و نعم الرّفيق شب و روز جز بيان حجج و برهان و اعلاء کلمه يزدان و بشارت بطلوع صبح هدی و مژده باشراق شمس حقيقت شغلی نداشت. هر چند الطاف جمال مبارک هميشه شامل بود ولی در اين سفر بحری بی‌پايان عنايت بدرجه ئی بود که مجرّد دست بردن بکلافه ئی فوراً سر رشته در دست بود بهرجهت که توجّه ميشد ابواب مفتوح مشاهده ميگشت و سبب اين بود که از هر فکری فارغ بود و لسان بذکر حقّ ناطق و نام مبارک ورد دائم و نفثات روح القدس مؤيّد جان و دل و الّا اين ذرّه را چه قدرتی و اين قطره را چه وسعتی. باری ايران ويران و جميع خلق مشغول بيکديگر جانها بامان آمده و دلها از پريشانی فرياد و فغان نمايد استعداد عظيم حاصل گشته بايد ياران الهی علی الخصوص حضرات ايادی امر اللّه دقيقه ئی آرام نگيرند جميع فکر را در آن حصر نمايند که اين بنياد الهی بلند شود و نسيم رحمانی ايران را معطّر کند . پس ای حضرات ايادی امر اللّه در حقّ من تضرّع و ابتهال کنيد من نيز در حقّ شما عجز و زاری کنم که قوّتی آسمانی و موهبتی رحمانی و نصرتی ملکوتی و تأييدی ربّانی و فتوحی لاهوتی حاصل گردد کلّ موفّق بآنچه بايد و شايد شويم تا انوار صبح هدايت را در خاور و باختر منتشر کنيم مانند نفوس مبارکی که در ظلّ حضرت مسيح بودند بجانفشانی برخيزيم و بمنتهای وفا موفّق شويم و همواره بخاطر آريم که آن دلبر با وفا چه جفا کشيد و چه قدر زحمت و بلا ديد و چگونه اسير سلاسل و اغلال بود تا ما بيچارگان را چاره دهد و ما ذليلان را در ملکوت خويش عزيز فرمايد. بشکرانه اين الطاف بايد در هر دم صد جان نثار نمائيم عبدالبهاء از شدّت شرم و حيا بجمال ابهی قسم که آرزوی فنا نمايد زيرا در مقابل اين عنايت نفسی بشکرانه نکشيد و تا بحال بقطره ئی از خدمت موفّق نشد مگر آنکه حضرات ايادی امر اللّه تضرّع بملکوت ابهی نمايند و اين بی‌بهره را نصيبی از موهبت خدمت طلبند بلکه من بعد حرکت مذبوحی نمايد و جان و دل تسلّی جويد و بذرّه ئی از عبوديّت موفّق شود.

